



آیت الله حسین نوری

اقتصاد

مفاسد سیستم سرمایه داری

گفت به شمار است لکن ما تمامی آنها را تحت یک جمع بندی کلی قرار دادیم - و در این باب چند مفاسد مهم را که هر کدام زاینده مفاسد دیگری در درون خویش است بر شمرده ایم در گفتارهای پیشین درباره سه گروه از این مفاسد تحت عناوین:

۱- ایجاد اختلاف طبقاتی.

۲- رواج ظلم و بیدادگری.

۳- شیوع فساد و فحشاء.

سخن گفتیم و اکنون به بازگویی موارد دیگری از این مفاسد و بحث پیرامون آن می پردازیم که در این سلسله بحث ها در

در قسمت های قبلی این سلسله بحث ها از مفاسد و مظالم به شمار می که سیستم سرمایه داری در کشورها و مناطق تحت نفوذ و تسلط خود بوجود می آورد سخنی گفتیم و انواع این مفاسد را دسته بندی کردیم - گر چه مفاسد ناشی از سیستم منحط سرمایه داری بسیار فراوان و حتی میتوان

ردیف چهارم قرار گرفته است.

■ ■ ■

۴ ایجاد سلطه استعمار

یکی دیگر از انواع مفاسد شومی که سیستم اقتصاد سرمایه داری در کشورها و مناطق تحت نفوذ خود ایجاد می کند - و در حقیقت شوم ترین و سیاه ترین نوع این مفاسد است عبارت از سلطه استعمار است. استعماری که از این طریق بر جان و زندگی و سرنوشت ملت های ضعیف حاکم می گردد نه تنها خود از بدترین و زشت ترین انواع استعمار است

داد:

در داخل ممالک سرمایه‌داری، در نتیجه پیدایش صنعت ماشینی و گسترش روزافزون این صنایع، همواره میزان تولیدات کارخانه‌ها بیش از مقدار مصرف و اضافه بر میزان احتیاج است، از این رو علاوه بر فروش کالاهای تولیدی در داخل کشور و حتی علاوه بر ایجاد بازارهای مصنوعی که با ترفندهای تبلیغاتی و فریب دادن ذهن و هوش مردم که به ایجاد "حرص خرید" و "جنون مصرف" که در افراد ایجاد میکنند و فروش را بالا می‌برند باز هم مقدار قابل توجهی از کالاهای تولیدی اضافه می‌آید و در انبارها و حتی پس از پر شدن انبارها در خودکارخانه‌ها متراکم میشود، بدین جهت سرمایه‌داران و صاحبان صنایع ماشینی همواره سعی می‌کنند بازارهای تازه‌تری پیدا

اسلامی آن مفهوم روشن تر گردید و فرهنگ غنی و پر محتوای قرآن متجلی تر شد. بر اساس فرهنگ حیات بخش اسلامی، ریشه کن شدن "استضعاف" روزی فرا خواهد رسید که حکومت متعالی و انسان ساز اسلامی در تمام جهان استقرار یابد و از شرافست انسانی انسانها حمایت کند و دیگر اجازه ندهد که هیچ انسانی تحت انواع ستمهای دیگران قرار گیرد و این همان وعده‌های است که خداوند متعال و اسلام عزیز و قرآن مبین به امت‌های اسلامی داده است و هم اکنون پایه‌های آن در کشور ایران با تفضل و توفیق خداوند بزرگ برقرار گردیده و نهال آن کشته شده است و امید که انشاء الله تعالی بزودی به ثمر برسد.

باش تا صبح دولتش برسد

کاین هنوز از نتایج سحر است

بلکه بنوبه خود انواع گوناگون و ابعاد دیگری از استعمار را در صورتهای مختلف استعماری بر زندگی اینگونه ملت‌ها حاکم می‌سازد که در کسوتهایی چون "استعمار" "استعمار" استعباد" و دیگر انواع آن جلوه‌گر میشود و اینها همه موارد و مصداقی است که اسلام عزیز از زبان قرآن کریم تمام آنها را تحت یک عنوان و یک اسم کلی و جامع و بر معنا نام برده و این نام عبارت از همان واژه "عمیق" استضعاف" است که در طول انقلاب شکوهمند اسلامی ما بیش از

ایران سالهای سال رنج تلخ استعمار شوم را با تمام گوشت و خون و روح خود احساس کرد و الحمد لله انقلاب اسلامی برای پدیده نحس تاریخ پایان داد

کنند و کالاهای انباشته شده را در آنجا به فروش برسانند.

طبیعی است که وقتی بازار داخلی اشباع شده باشد باید به جستجوی بازارهای خارجی فراسوی مرزها و خارج از چهارچوب کشور سازنده کالاهای برداخت ولی برای دست یافتن به چنین بازارهایی قوانین و مقرراتی که در چهارچوب روابط سیاسی کشورها حکمفرما است نوعاً مانعی بر سر راه سرمایه‌داران بوجود می‌آورد که آنها از دست اندازی به داخل مرزهای دیگران با اتکا به قدرت پول و سرمایه و تولید، ناتوان می‌مانند از این

پایه استعمار در سیستم سرمایه‌داری

استعماری که از راه سیستم سرمایه‌داری بر زندگی ملت‌ها و افراد جوامع گوناگون تسلط می‌یابد بر مبنای همان سلطه اقتصادی استوار می‌شود و از این رو برای پایان بخشیدن به آن نخست باید از تسلط اقتصاد سرمایه‌داری رهائی پیدا کرد و در بازنگری پایه و اساس این نوع از استعمار مخصوصاً در جهان کنونی به نکاتی دست می‌یابیم که میتوان آنها را بدینگونه توضیح

واژه دیگر بکار رفته و مفهوم و کاربرد مصداق آن آشکار گردیده است.

تکیه قرآن روی کلمه "استکبار" و "استضعاف" که ۴۸ جا از "استکبار" در شکلهای مختلف آن نام برده و از خطرهای مفسد آن پرده برداشته و در ۸ مورد "استضعاف فرد" یا ملت‌ها و جوامع را آن هم در قالب‌های متفاوت بازگو کرده و این مصیبت و بلای عظیم را خاطر نشان کرده است، نشانگر عمق مخصوص و گستردگی مفهوم و معنایی میباشد که این دو واژه از آنها حکایت می‌کنند و در این انقلاب عظیم

رو سرمایه‌داران ناگزیر میشوند که به دولت‌های خود دست همکاری بدهند، از آنجا که فروش محصولات هر کشوری در خارج از مرز‌هایش باعث ورود ارز به آن کشور و رونق اقتصادی آن میشود و این خود مطلوب دولتهای سرمایه‌داری است، دولتهای سرمایه‌داری نیز با میل و رغبت در پیچه تازهای بر روی سرمایه‌داران و صاحبان صنایع و کارخانها می‌کشایند، باین معنا که با انعقاد پیمانهای اقتصادی در چهار چوب قوانین و مقررات مخصوصی راه را بروی سرمایه‌داران باز می‌کنند و آنها نیز متقابلاً در برابر دولت‌ها متعهد میشوند که از سود خالصی فروش در بازارهای خارجی عوائد ویزهای را بدولتهای خود اختصاص بدهند.

استعمار بخاطر بازار یابی

دولت‌های سرمایه‌داری از این طریق در یک گستره اقتصادی استعمارگرانه، به عنوان بازوهای مقتدر سیاسی و نظامی سرمایه‌داران خود وارد میدان میشوند و به تلاش برای بازار یابی جهت فروش تولیدات کشورشان دست می‌زنند.

در مسیر این تلاش نخست به انعقاد قراردادهای بازرگانی و مبادلاتی با کشورهای دیگر بخصوص کشورهای کوچک و عقب مانده می‌پردازند اما چون میزان فروشی که از این طریق حاصل میشود باز هم پاسخگوی زیاده طلبی‌های دولت‌های استعماری و تولیدات بیش از حد صاحبان صنعت و سرمایه نیست لذا چاره‌جویی تازهای با برصمصی گذاردن که عبارت از استعمار سیاسی کشورها و ملت‌های دیگر است.

تجربه‌های تلخ نشان داده است که دولت‌های قدرتمند و سرمایه‌داری مادامی که در امور سیاسی کشورهای کوچک و دولت‌های ضعیف مداخله نکنند قادر نخواهند بود اینگونه کشورها را بیک بازار مطمئن و بر مصرف برای فروش تولیدات خود مبدل کنند، زیرا اگر فشار استعمار در این کشورها بکار گرفته نشود همواره خطر بروز مشکلاتی

برای دولتهای سرمایه‌داری وجود دارد: مشکلاتی همچون قیام ملت علیه سلطه اقتصادی آن کشورها، تصمیم به عدم مصرف کالای آن کشورها، اقدام برای تولید کالای مشابه در داخل کشور، یا دست کم، روی آوردن به کشورهای دیگری که حاضرند کالای مشابه را با قیمت ارزان‌تر و شرایط عادلانه‌تر در اختیار آنان بگذارند. بالاخره از این قبیل مشکلات همیشه وجود دارد.

اما وقتی سلطه استعماری و مداخله در امور سیاسی و دخالت در سرنوشت ملت‌ها و کشورها در میان باشد چنین خطراتی بروز نخواهد کرد تا آنجا که حتی دولت‌های استعمارگر با اعمال فشار از هر گونه اقدام ملت‌های تحت استعمار در جهت رسیدن به خودکفائی و تولید کالای مشابه در داخل

اشاره کرد به مواردی مانند استعمار طولانی انگلیس در کشورهایی چون هندوستان، عراق، کشورهای دیگر خاورمیانه، کشورهای آفریقائی و بخصوص کشور خودمان ایران. قبل از انقلاب اسلامی - سال‌ها دراز انگلیس این پیر استعمار را با اعمال قدرت استعماری نه تنها کشور ما را بازار پر رونقی برای مصرف تولیدات و مصنوعات خود ساخته بود بلکه با ارزش‌ترین و حیاتی‌ترین سرمایه ایران یعنی نفت " ما را نیز به

استعمارگران برای تداوم سلطه استعماری و اقتصادی خود، دست به استعمار فرهنگی زده، فکر و فرهنگ ملت‌های تحت سلطه را تغییر می‌دهند

رایگان غارت می‌کرد و برای بقا و دوام این رابطه ظالمانه چنان در اعماق سیاست کشور ما نفوذ کرده بود که حتی وکلای مجلس و وزرای هیات دولت نیز با نظر و خواست سیاست خارجی انگلیس تعیین میشدند و سلطه سیاسی و اقتصادی انگلیس را در کشور ما به صورتی روز افزون گسترش میدادند که پس از برچیده شدن دستگام استعمار انگلیس نوبت به "آمریکا" رسید و این بار یک ربع قرن تمام، سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا چنان بر ارکان کشور و اعماق زندگی ما نفوذ پیدا کرد که نه تنها مقامات کشوری با نظر آنها تعیین میشدند و سرنوشت ملت را به

کشورشان نیز جلوگیری می‌کنند تا بقاء آنها اجازه رهایی از زیر بوغ سلطه اقتصادی دولت‌های قدرتمند سرمایه‌داری داده نشود. آنها برای تداوم و بقا سلطه استعماری و اقتصادی خود، دست به استعمار فرهنگی می‌زنند و فکر و فرهنگ ملت‌های تحت سلطه را تغییر میدهند و با تغییر و تحریف و تخدیر فکر و فرهنگ آنها، استعمار شوم خود را تداوم می‌بخشند.

نمونه‌های عینی و آشکاری که از این جهت در تاریخ دولت‌های استعمارگر و کشورهای تحت استعمار وجود دارد، برای مردم ما کاملاً آشنا است که از جمله میتوان

مخصوصا در این جهت به کار گرفتند که این کشورها را به خریداران تولیدات خود مبدل کنند و از هر کدام از افراد این جوامع یک مصرف کننده، چشم و گوش بسته و مطیع، بسازند.

غارت چند جانبه

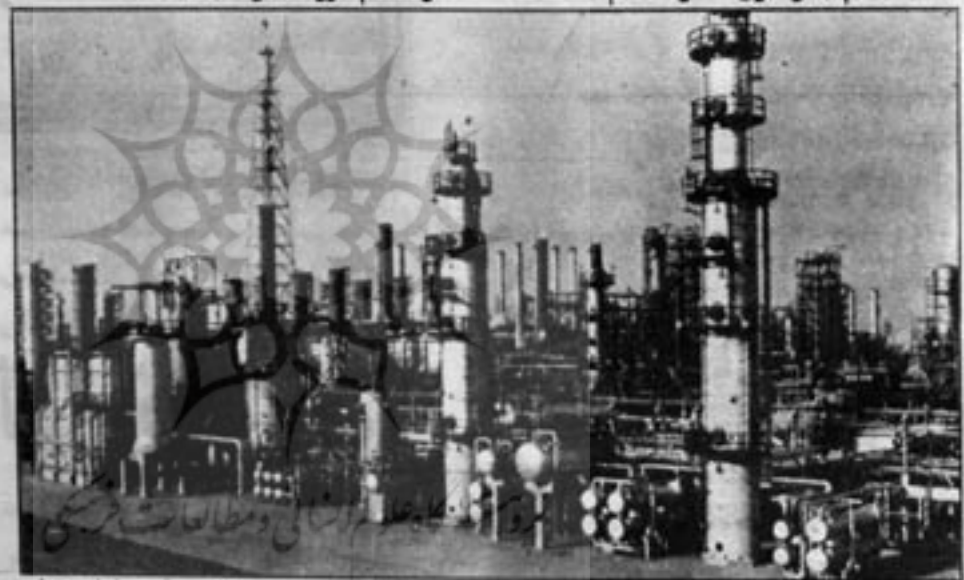
علاوه بر آنچه ذکر شد این صنایع بزرگ و با مال دولتهای متبوع آنها برای دوام و بقا، کارخانههای خود احتیاج به مواد خام دارند تا آنها را تبدیل به کالاهای مصنوعی خود سازند و پس از آن کالاهای ساخته شده خود را به کشورهای دیگر و از جمله همان کشور صاحب مواد خام بفروشند و لذا در پی دست یافتن به مستعمراتی هستند که دارای مواد خام مورد نیاز آنها باشد.

نفع آمریکا در دست می گرفتند بلکه حتی زندانیهای این کشور از کسانی پر میشد که علیه منافع آمریکا گامی برمیداشتند یا سخنی می گفتند یا کلمه ای مینوشتند. ایران این کشور اسلامی، سالهای سال رنج تلخ این استعمار شوم را با تمام گوشت و خون و مغز و روح خود احساس کرد و الحمد لله انقلاب پر برکت اسلامی برای پدیده نحس تاریخ پایان داد و استقلال و آزادی ای در سایه اسلام به رهبری حضرت امام است

استعمارگر و کشور مستعمره مازاد قابل توجهی از اشیاء و کالاهای تولید شده نیز باقی میماند که این مازاد در سایر نقاط دنیا به فروش میرسد و بصورت ارز و طلا با انواع دیگر مواد خام موجود در سایر نقاط جهان به کشور استعمارگر باز می گردد.

بدینگونه ملاحظه میشود که چپاول کشورها و قدرتمند و سرمایه داری از چندین جهت و به چندین صورت انجام می گیرد و از هر طرف سودهای هنگفت به سوی قدرتمندی سرمایه داری و سرمایه داران بزرگ جهان امپریالیسم سرازیر می گردد تا جایی که مواد خام موجود در کشوری به قصد ریشه کن ساختن آن و به چندین برابر مقدار مورد نیاز غارت میشود و در سایر نقاط دنیا به دهها برابر قیمت اولیه بفروش میرسد و از این سود سرشار کمترین سهمی نیز نصیب صاحبان اصلی آن مواد نمی شود.

از همین جهت است برای نمونه از زبان آمار و ارقام رسمی ملاحظه میشود که دول استعمارگر تنها در عرض یک سال (سال ۱۹۵۵ میلادی) و فقط از طریق نفت خام کشورهای نفت خیز مبلغ سرسام آوری بالغ بر پانصد میلیارد دلار (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار) سود بردند اند که از این مبلغ هیچ سهمی به صاحبان اصلی نفت نرسیده است (۱)



پس از یافتن چندین کشوری و بعد از استقرار و استحکام پایه های سلطه سیاسی و اقتصادی خود در آن کشور، مواد خام موجود در آن را با ارزانترین قیمت که غالباً در حد رایگان است - از آنجا بیرون می برند و هنگامی که در کشور خود و با استفاده از صنایع ماشینی شان به اشیاء و کالاهای گوناگون مبدلش کردند همان مصنوعات را با دهها برابر قیمت واقعی خود به همان کشور صاحب مواد اصلی می فروشند و از آنجا که غارت مواد خام کشورهای کوچک همواره به صورت چپاولی بیرحمانه و به قصد ریشه کن ساختن آن مواد صورت می گیرد همیشه علاوه بر مصارف کشور

خیمینی دام ظلّه العالی پدید آمد و طرح حکومت اسلامی بی ریزی شد که رو بتکامل میرود. تاریخ هرگز استعمار فرانسه در الجزایر که بیش از هر چیز آن کشور را به بازار مصرف تولیدات خود مبدل کرده بود و با نیروی استعماری که در مصر و تونس و اتیوپی افغانستان و پاکستان و یمن و ترکیه و کشورهای منطقه خلیج فارس و بالاخره دهها کشور کوچک و ضعیف را که میدان تاخت و تاز و چپاول و غارت استعمارگران قسرا گرفت فراموش نمیکند و نباید بکند. اینها قدرتهای استعمارگرا نه خود را

ادامه دارد

۱ - کتاب الوعی الاسلامی ج ۱ ص ۶۶.



دو برادر شهید محمد و احمد آرژان